

## واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمآلهین و حاجی سبزواری

عبدالعلی شکر\*\*

علی‌رضا فارسی نژاد\*

### چکیده

در متون فلسفی، فاعل را به اقسام مختلفی تقسیم نموده‌اند که مهم‌ترین آن، تقسیم فاعل به اقسام هشت‌گانه‌ی بالطبع، بالقسر، بالجبر، بالتسخیر، بالقصد، بالعنايه، بالرضا و بالتجلی است. نگارنده با مراجعه به آثار صدرالمآلهین و حاجی سبزواری و بررسی و تحلیل عقلی تقسیم و تقریر آنها از اقسام فاعل و با تأمل در دیدگاه‌های مختلف سایر حکیمان و متکلمان مسلمان، به این نکته پی برده‌است که تقسیم فوق که مشهورترین تقسیم در این زمینه است، اولاً تقسیم محصلی نیست و ایهامات و کاستی‌هایی دارد و ثانیاً تنها تقسیم مطرح در این زمینه نیست؛ به همین جهت تلاش نموده‌است تا با هدف رفع ایهامات و نواقص آن تقسیمات و ارائه‌ی تقسیمی نسبتاً جامع، در ابتدا صورت‌بندی‌های جدید و متعددی از اقسام فاعل بر اساس نظرات ملاصدرا و حاجی سبزواری مطرح نماید و در پایان با ترکیب نقاط قوت تقسیمات مختلف و حذف نقاط ضعف و اضافه برخی اقسام، سه صورت‌بندی متفاوت و نسبتاً جامع - دو تا بر مبنای مشهور و دیگری بر مبنای نظر مختار نگارنده - ارائه نماید که در نهایت، فاعل‌هایی نظیر بالطبع، بالقسر، بالجبر به معنای مشهور و بالقصد به معنای خاص یا مشهور، به دلیل ایهامات و ایراداتی که داشتند، از فهرست اقسام فاعل حذف نموده و اقسام دیگری مانند فاعل‌های نظیر بالطبع، بالجبر به معنای جدید، بالاکراه، بالداعی به معنای خاص و بالاراده به معنای اخص، که می‌تواند نقصان مزبور را تا حدود زیادی برطرف نماید، به فهرست اقسام فاعل اضافه کرده است.

واژه‌های کلیدی: اقسام فاعل ملاصدرا، سبزواری.

## ۱. مقدمه

در آثار فلسفی برای فاعل<sup>۱</sup>، اقسام مختلفی ذکر شده است (نک: ۱۵، ص: ۲۴۴)؛ از جمله، فاعل عام و خاص، فاعل کلی و جزئی، فاعل بسیط و مرکب، فاعل بالقوه و بالفعل، فاعل حقیقی و مجازی؛ فاعل بالذات و بالعرض<sup>۲</sup>، فاعل بذاته و بغیره و مهم‌ترین آن، که تقسیم فاعل به اقسام هشت‌گانه‌ی بالطبع، بالقسر، بالجبر، بالتسخیر، بالقصد، بالعنايه، بالرضا و بالتجلی است (۷، ص: ۴۰۵). هر یک از این اقسام، تعریف خاص خود را دارد؛ به‌ویژه اقسام هشت‌گانه اخیر که به دلیل ارتباطی که به نحوه‌ی فاعلیت باری تعالی دارد، بیشتر مورد اهتمام اندیشمندان بوده است اما با توجه به اینکه نگارنده در پژوهش حاضر در صدد بررسی تعریف این اقسام – که اتفاقاً متعدد و متفاوت است – نبوده و صرفاً قصد بررسی اقسام و نحوه‌ی صورت‌بندی آن‌ها داشته است، از پرداختن به تعریف و بررسی تعاریف آن‌ها صرف نظر نموده و آن را به پژوهش دیگری که در دست تألیف دارد واگذار نموده است.

طرح تقسیم فاعل به اقسام فوق به‌ویژه اقسام هشت‌گانه‌ی مزبور، بیشتر به جهت تعیین و تبیین نحوه‌ی فاعلیت باری تعالی بوده است و اهمیت این مسأله بر هیچ‌کس پوشیده نیست به گونه‌ای که برخی معتقدند بسیاری از مسایل فلسفه و حکمت متوقف بر شناخت نحوه‌ی فاعلیت خداوند است. همچنین حل اختلافات میان فلاسفه و متکلمین، به حل این مسأله‌ی مهم بستگی دارد (۴، صص: ۱۸۷-۱۸۶). به همین جهت، عمده‌ی حکمای اسلامی به‌ویژه از بعد از صدرالمتألهین، به این مسأله توجه ویژه داشته‌اند. شاید برای اولین بار خود صدرالمتألهین در حاشیه بر الهیات شفا و سایر آثار خود به صورت مفصل به این مسأله پرداخته است، پس از وی نیز بیشتر شاگردان متقدم و متأخر مکتب وی از جمله فیض کاشانی، حاجی سبزواری، علامه طباطبایی و دیگران به این مسأله پرداخته‌اند. اما با وجود دیدگاه‌های مختلف در مورد اقسام فاعل و تقسیمات متعددی که در این زمینه صورت گرفته است، تاکنون پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است و نگارنده با جست‌وجو در کتاب‌ها و مقالات تخصصی موجود در دسترس، به پژوهشی که به بررسی اقسام فاعل و تحلیل آن‌ها بپردازد، برخورد ننموده است، به همین خاطر با توجه به اختلاف نظر فراوانی که در این زمینه بین اندیشمندان وجود داشت، از یک طرف، و کاستی و عدم اشمال اقسام و تقسیمات انجام شده نسبت به همه‌ی فاعل‌ها و دیدگاه‌های موجود در این زمینه، از طرف دیگر، و عدم وجود پژوهشی مستقل در این زمینه، انجام این پژوهش ضروری می‌نمود و همین امر موجب شد تا با انجام این پژوهش، تلاش شود تا به روش تحلیلی، اقسام فاعل و تقسیم‌بندی‌های موجود در آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری به‌ویژه تقسیم حاجی در حاشیه بر اسفار که به روش ثنائی، هفت قسم از اقسام فاعل را از طریق دوران بین نفی و اثبات، احصا نموده است (نک: ۸، ص: ۲۲۲) و حکمای بعد از وی نیز عطف توجه به همان تقسیم

واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری ۱۳۷  
داشته‌اند، مورد بررسی و تحلیل عقلی قرار دهد و با جرح و تعدیل یا حذف و اضافه‌ی برخی اقسام،  
کاستی‌های موجود در این زمینه را تا حدود زیادی رفع نماید و با طرح اقسامی جدید و تقسیماتی  
نو، دیدگاه‌های مختلف در مورد اقسام فاعل را تحت پوشش قرار دهد.

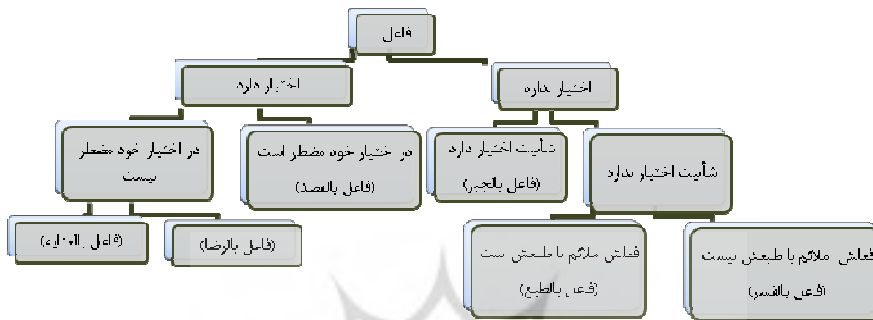
## ۲. اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین

صدرالمتألهین در بیشتر آثار خود، اقسام فاعل را شش قسم برشمرده است: فاعل بالطبع،  
فاعل بالقصر، فاعل بالجبر، فاعل بالقصد، فاعل بالرضا و فاعل بالعنايه (۲۰، ص: ۵۸؛ ۱۵، ص: ۲۴۴؛  
۱۹، ص: ۵۵؛ ۱۰، صص: ۲۲۰-۲۲۴). وی در کتاب *المظاهر الالهيه* نیز فاعل را به شش قسم  
تقسیم نموده با این تفاوت که به جای فاعل بالجبر، فاعل بالتسخیر به کار برده است (۲۰، ص:  
۱۰۰). در کتاب‌های *المشاعر و العرشیه*، فاعل بالتجلی را اضافه نموده و فاعلیت فاعل‌هایی نظیر  
فاعل بالقصد، بالرضا، بالعنايه را به نحو بالاختیار و ارادی و دارای داعی علمی تلقی کرده است (۱۷،  
ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴).<sup>۳</sup> بنابراین در آثار صدرالمتألهین نام هشت قسم فاعل به چشم می‌خورد:  
فاعل بالطبع، فاعل بالقصر، فاعل بالتسخیر، فاعل بالجبر، فاعل بالقصد، فاعل بالرضا، فاعل بالعنايه و  
فاعل بالتجلی. هشت قسم دانستن اقسام فاعل، بر مبنای متعدد و متباین دانستن فاعل  
بالجبر و بالتسخیر است؛ اما در صورتی که اعم و اخص در نظر گرفته شوند، هم‌چنان که در  
ارزیابی دیدگاه وی آمده است، در آن صورت هفت قسم خواهد بود هر چند با تقسیم فاعل  
بالقصد به دو قسم، مجدداً به هشت قسم خواهد رسید؛ وی در دو کتاب *المشاعر و العرشیه*،  
فاعل بالقصد را به دو قسم با داعی و بدون داعی تقسیم کرده و فاعلیت بالقصد به همراه داعی را به  
برخی از متکلمین یعنی معتزله، و فاعلیت بالقصد بدون داعی را به اکثر متکلمین نسبت داده  
است (همان‌ها). وی در کتاب *الشواهد الربوبیه*، قسم اول فاعل بالقصد را که همراه داعی است، فاعل  
بالداعی و قسم دوم آن را که بدون داعی است، فاعل بالقصد نامیده است (۱۹، ص: ۵۵). براساس  
تقسیم اخیر در مورد فاعل بالقصد می‌توان نتیجه گرفت که اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین در  
نهایت به هشت قسم رسیده است: فاعل بالطبع، فاعل بالقصر، فاعل بالتسخیر، فاعل بالداعی، فاعل  
بالقصد، فاعل بالرضا، فاعل بالعنايه و فاعل بالتجلی. با توجه به نکات پیشین، می‌توان اقسام فاعل  
در آثار صدرالمتألهین را به چند گونه صورت‌بندی نمود:

### ۲.۱. تقسیم اول از اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین (تقسیم شش‌گانه)

صدرالمتألهین در کتاب *حاشیه بر الهیات شفا*، فاعل را ابتدا به بدون اختیار و دارای  
اختیار تقسیم نموده، آنگاه برای هر یک از این دو قسم، سه قسم نام برده است. به این  
صورت که؛ فاعل یا دارای اختیار نیست یا دارای اختیار است؛ فاعلی که اختیار ندارد یا  
شأنیت اختیار نیز ندارد یا شأنیت اختیار را دارد (فاعل بالجبر). فاعلی که شأنیت اختیار را

ندارد یا فعل او ملائم با طبع اوست (فاعل بالطبع) یا فعل او ملائم با طبع او نیست (فاعل بالقسر). فاعلی که دارای اختیار است، یا در اختیار خود مضطر است (فاعل بالقصد) یا در اختیار خود مضطر نیست. در صورت اخیر، یا فاعل بالعنایه است، یا فاعل بالرضا است (نک: ۱۵، ص: ۲۴۴).



### نمودار ۱. تقسیم اول از اقسام فاعل در آثار صدر المتألهین (تقسیم شش گانه)

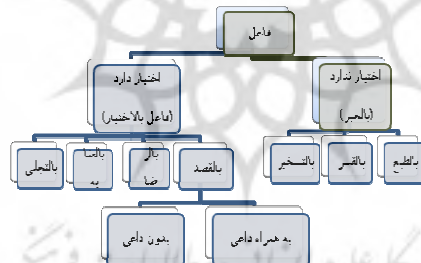
#### ۱.۱.۲. ارزیابی تقسیم اول از اقسام فاعل در آثار صدر المتألهین (تقسیم

شش گانه): چند نکته در تقسیم بندی فوق قابل ملاحظه است؛ اول: تقسیم فوق را فیض کاشانی به همین شکل در کتاب *اصول المعارف* آورده است (۲۳، صص: ۶۱-۶۲) با این تفاوت که در تقسیم فیض فاعل بالتجلی نیز ذکر شده است. لوکری این تقسیم را به ملاصدرا نسبت داده است (۲۴، ص: ۴۲۰). نگارنده با جست و جو در آثار ملاصدرا، صحت این انتساب را از حیث مضمون تأیید می کند (نک: ۱۵، ص: ۲۴۴). دوم: صدر المتألهین فاعل را در تقسیم اولیه به دارای اختیار و بدون اختیار تقسیم نموده است، هر چند فاعلیت بالتسخیر و بالتجلی را ذکر نکرده است. از این عمل صدر المتألهین دانسته می شود که سه نوع فاعل جبری و فاقد اختیار وجود دارد که می توان آن را بالجبر به معنای عام نامید. سوم: فرق فاعل بالجبر با فاعل بالقسر و بالطبع را داشتن یا نداشتن شأنیت اختیار دانسته است و این نکته بسیار حائز اهمیت است و باعث می شود که به این دو نوع فاعل، با وجود نداشتن اختیار، فاعل بالجبر گفته نشود. چهارم: فرق فاعل بالقصد با سایر فاعل های دارای اختیار را به اضطراری بودن یا اضطراری نبودن اختیار دانسته است و این نیز بسیار مهم است؛ چرا که اولاً نشان دهنده ای این است که مرتبه ای اختیار در فاعل بالقصد، پایین تر از مرتبه ای اختیار در سایر فاعل های دارای اختیار است. ثانیاً مبتنی بر یکی از دیدگاه های وی در تبیین مسأله ای جبر و اختیار است که انسان را مضطری در صورت مختار دانسته است (۲۲،

واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدراپی با تکیه بر آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری ۱۳۹  
 صص: ۱۱۸-۱۲۳) و ثالثاً با ظرافت خاصی، فاعل بالقصد را از ردیف انحاء فاعل‌هایی که شامل فاعلیت باری تعالی می‌شود، خارج کرده است. پنجم: با توجه به اینکه وی در برخی آثار خود به جای فاعل بالجبر، فاعل بالتسخیر به کار برده است (نک: ۲۰، ص: ۱۰۰)، می‌توان تقسیم فوق را با اندکی اختلاف به گونه‌ی دیگری صورت‌بندی کرد و فاعل بالتسخیر را جایگزین فاعل بالجبر نمود اما به جهت رعایت اختصار، از این کار صرف نظر نموده و در تقسیم بعدی، بنا به دلایلی که خواهد آمد، این جایگزینی صورت گرفته‌است.

## ۲.۲. تقسیم دوم از اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین

صدرالمتألهین در تقسیم دیگری، ابتدا همانند تقسیم پیشین، فاعل را به بدون اختیار (فاعل بالجبر) و دارای اختیار (فاعل بالاختیار) تقسیم نموده، آنگاه فاعل بدون اختیار را به بالطبع، بالقسر و بالتسخیر، و فاعل دارای اختیار را به بالقصد، بالرضا و بالعنایه تقسیم نموده است (نک: ۱۱، ص: ۱۳؛ ۱۶، ص: ۳۵؛ ۲۰، ص: ۱۰۰). با توجه به اینکه وی در موضع دیگری همین تقسیم را با جایگزین نمودن فاعل بالتسخیر به جای فاعل بالجبر مطرح کرده و فاعل بالتجلی را به اقسام فاعل بالاختیار افزوده، و فاعل بالقصد را به دو قسم با داعی و بدون داعی تقسیم نموده و در نهایت اقسام را به هشت قسم رسانده است (نک: ۱۷، ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴)، می‌توان تقسیم وی را به گونه‌ی زیر که جامع‌تر است، صورت‌بندی نمود:



نمودار ۲. تقسیم دوم از اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین (تقسیم هشت‌گانه)

۲.۲.۱. ارزیابی تقسیم دوم از اقسام فاعل در آثار صدرالمتألهین: تفاوت تقسیم فوق با تقسیم قبلی، یکی در این است که در تقسیم پیشین، فاعل بالجبر قسیم فاعل بالقسر و بالطبع است، اما در تقسیم دوم، مقسم آن‌ها واقع شده و فاعل بالتسخیر به انضمام فاعل بالطبع و بالقسر، ذیل آن قرار گرفته است. تفاوت دیگر این است که فاعل بالتجلی به آن اضافه شده است. تفاوت سوم این تقسیم با تقسیم پیشین در این است که فاعل بالقصد به دو قسم بدون داعی و با داعی تقسیم شده است که اهمیت زیادی دارد و می‌تواند مبنای تقسیم‌بندی جدیدی در این زمینه باشد که در ادامه خواهد آمد.

### ۲.۳. پیشنهاد دو تقسیم دیگر از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتهین

دو تقسیم پیشین، بیشتر جنبه توصیفی دارد و صرفاً با مراجعه به آثار صدرالمتهین و استفاده از نظرات مشهور و مطرح وی و بدون تحلیل و بررسی نگارنده صورت گرفته است اما به نظر می‌رسد با نگاهی به برخی دیگر از نظرات وی و اندکی تحلیل و دخل و تصرف، می‌توان تقسیمات فوق را به گونه‌های دیگری نیز مطرح کرد که از جهاتی - که در ادامه خواهد آمد - با تقسیمات پیشین متفاوت باشد. از این رو با دو تحلیل متفاوت، دو تقسیم زیر بر پایه آثار صدرالمتهین پیشنهاد شده است:

#### ۲.۳.۱. تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتهین: بر

پایه یک تحلیل، از این که صدرالمتهین در یک موضع، از اصطلاح فاعل بالجبر و در موضع دیگر، از اصطلاح فاعل بالتسخیر استفاده نموده است، سه احتمال به دست می‌آید؛ یکی اینکه فاعل بالجبر و بالتسخیر در نظر او یکی باشد. دوم اینکه فاعل بالتسخیر اعم از فاعل بالجبر باشد. سوم اینکه فاعل بالجبر اعم از فاعل بالتسخیر باشد. احتمال اول مردود است؛ زیرا وی در فاعل بالتسخیر دو احتمال ارادی بودن و غیر ارادی بودن را جایز دانسته است (۱۷، ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴) در صورتی که در فاعل بالجبر چنین احتمالی منتفی است. احتمال دوم بر مبنای دو احتمال ارادی بودن و غیر ارادی بودن فاعل بالتسخیر، قابل پذیرش است و به نظر می‌رسد فاعل بالتسخیر در مواردی که فاعل بالجبر ذکر نشده، شامل فاعل بالجبر نیز بشود<sup>۴</sup>، همان گونه که صدرالمتهین در کتاب حاشیه بر الهیات شفا، فاعل را به بالتسخیر و لابتسخیر تقسیم نموده است (۱۵، ص: ۲۴۴). البته هر چند به نظر می‌رسد با توجه به اینکه وی در مواضع متعددی، فاعلیت فاعل‌های بالطبع، بالقسر و بالتسخیر را به نحو بالجبر و الايجاب دانسته است<sup>۵</sup>، احتمال سوم از همه قوی‌تر است، همان گونه که در نمودار دوم نیز به خوبی مشهود است. اما همان گونه که در ادامه خواهد آمد، احتمال دوم ترجیح دارد.

از تقسیم فاعل بالقصد به بدون داعی و به همراه داعی توسط صدرالمتهین نیز می‌توان دریافت که ممکن است مسامحه‌ای در این باب صورت گرفته باشد؛ زیرا فاعل بالقصد، به فاعلی گفته می‌شود که داعی زاید بر ذات داشته باشد در صورتی که فاعل بدون داعی، قصد و انگیزه‌ای ندارد که بتوان آن را فاعل بالقصد نامید. مگر این که گفته شود دو نوع فاعلیت بالقصد وجود دارد: یکی فاعل بالقصد به معنای عام و دیگری فاعل بالقصد به معنای خاص؛ مراد از فاعل بالقصد به معنای عام، فاعل بالاراده باشد که شامل فاعل بالقصد به همراه داعی و فاعل بالقصد بدون داعی می‌شود. مقصود از فاعل بالقصد به معنای خاص هم، فاعلی است که مطلقاً داعی ندارد و حتی می‌توان آن را فاعل بالاراده به معنای خاص نامید. البته در این خصوص هنوز مسامحه وجود دارد؛ زیرا فاعل بالعنايه و بالتجلی هم فاعل بالاراده هستند و باید آن‌ها را از اقسام فاعل بالاراده یا فاعل

واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدر المتألهین و حاجی سبزواری ۱۴۱

بالقصد به معنای عام به حساب آورد. بنابراین به زعم نگارنده، شایسته است که به جای اصطلاح فاعل بالقصد یا بالاراده به همراه داعی، از اصطلاح فاعل بالداعی و به جای اصطلاح فاعل بالقصد یا بالاراده بدون داعی، از اصطلاح فاعل بالاراده به معنای خاص یا فاعل بالاراده به معنای اخص - به تعبیر حاجی سبزواری (۹، ص: ۴۷۶) - استفاده نموده و آن دو را از همان ابتدا از اقسام فاعل بالاختیار به حساب آورده و به گونه‌ی زیر صورت‌بندی کرد:



نمودار ۳. تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین

### ۲.۳.۲. ارزیابی تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار

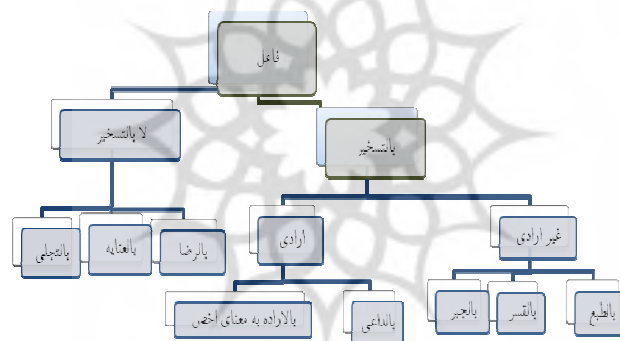
**صدر المتألهین:** تقسیم فوق ابتکار این نوشتار بوده و مبتنی بر اعم بودن فاعل بالجبر نسبت به فاعل بالتسخیر و عبث دانستن فاعل بالقصد بدون داعی است. امتیاز این تقسیم نسبت به تقسیم‌های پیشین یکی این است که همه‌ی اقسام هشت‌گانه‌ی فاعل که در آثار صدر المتألهین به چشم می‌خورد را در بر گرفته است. دیگر این است که از تقسیم فاعل بالقصد به بدون داعی و همراه داعی و طرح عنوان فاعل بالقصد بدون داعی که به نوعی تناقض‌آمیز بود، خودداری شده و به جای آن از اصطلاح فاعل بالداعی که همان فاعل بالقصد به معنای مشهور یا فاعل بالقصد به همراه داعی به تعبیر صدر المتألهین است، و اصطلاح فاعل بالاراده به معنای اخص به تعبیر حاجی سبزواری،<sup>۶</sup> که همان اصطلاح مبهم فاعل بالقصد بدون قید- یا بالقصد بدون داعی به تعبیر صدر المتألهین می‌باشد، استفاده شده است. در واقع می‌توان گفت این تقسیم، صورت ساده شده و دقیق‌تری از تقسیم قبلی است.

### ۲.۳.۲. تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین: بر پایه

تحلیل دیگر و با عنایت به برخی نظرات دیگر صدر المتألهین دانسته می‌شود که هر سه تقسیم پیشین - حتی تقسیم پیشنهادی اول نگارنده - بر مبنای تقسیم اولیه فاعل به دارای اختیار و بدون اختیار بود، اما در آثار صدر المتألهین نوع دیگری از تقسیم‌بندی فاعل نیز به چشم می‌خورد که در آن، فاعل ابتدا به بالتسخیر و لابتسخیر تقسیم می‌شود و سپس سایر اقسام در ذیل آن قرار می‌گیرد. صدر المتألهین برای فاعل بالتسخیر دو احتمال ارادی و غیر ارادی را جایز دانسته (نک: ۱۷، ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴) و در مواضع متعدد، سه قسم فاعل بالطبع، بالقسر و بالجبر - که هر سه غیر ارادی هستند - را ذیل فاعل بالتسخیر قرار داده

است. در مواردی نیز همه‌ی انواع فاعل بالطبع، بالقسر، بالجبر و بالقصد (اعم از با داعی و بدون داعی) را بالجبر و التسخیر دانسته و معتقد است همگی در این اصل با یکدیگر مشترک‌اند که در فعل خود اختیار ندارند و فاعلیتشان به نحو تسخیر و استخدام از ناحیه غیر است؛ خواه فاعل مسخّر و مستخدم نیز در تسخیر و استخدام خود نسبت به آن فعل، مسخّر و مستخدم باشد یا این که از روی اراده و اختیار باشد (نک: ۱۰، ص: ۲۲۲؛ ۱۱، صص: ۱۱ و ۱۳؛ ۲۰، ص: ۵۷؛ ۱۵، ص: ۲۴۴).

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان فاعل را ابتدا به بالتسخیر و لابتسخیر تقسیم نمود. سپس فاعل بالتسخیر را به دو قسم غیرارادی و ارادی تقسیم نمود. آنگاه فاعل‌های بالطبع، بالقسر و بالجبر را ذیل فاعل بالتسخیر غیرارادی، و فاعل‌های بالداعی و بالاراده به معنای اخص که هر دو از اقسام فاعل بالاراده یا بالقصد به معنای عام هستند را ذیل قسم دیگر فاعل بالتسخیر که ارادی است، قرار داد و فاعل‌های بالرضا، بالعنایه و بالتجلی را ذیل فاعل لابتسخیر قرار داد و تقسیم را به گونه‌ی زیر صورت‌بندی نمود:



#### نمودار ۴. تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین

##### ۴.۳.۲. ارزیابی تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین:

این تقسیم نیز برای اولین بار در این نوشتار صورت می‌پذیرد و مبتنی بر فرض اعم بودن فاعل بالتسخیر نسبت به فاعل بالجبر است. مهم‌ترین امتیاز این تقسیم نسبت به تقسیم‌های پیشین در این است که از ابتدا فاعلیت خداوند با سایر فاعل‌ها متفاوت فرض شده‌است؛ چرا که همه‌ی فاعل‌ها به استثنای حضرت باری تعالی، فاعل بالتسخیر و خداوند فاعل لابتسخیر فرض شده‌است و این با دیدگاه نهایی صدرالمتألهین و حکمت متعالیه، سازگاری بیشتری دارد.

ممکن است در اینجا اشکال شود که چرا فاعل‌های بالرضا، بالعنایه و بالتجلی نیز همانند فاعل‌های بالداعی و بالاراده به معنای اخص، ذیل فاعل بالتسخیر ارادی قرار نگرفته است؟ پاسخ این است که در این صورت، اولاً این تقسیم، فاعلیت خداوند را به هیچ وجه در



واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری ۱۴۳

بر نمی‌گرفت، هر چند فاعلیت نفس به انحاء مختلف را شامل می‌شد. ثانیاً فاعل لابلتسخیر، مصداقی نداشت و تقسیم فاعل به بالتسخیر و لابلتسخیر عبث بود و به تقسیم دوم بازگشت می‌نمود. البته اگر در مورد فاعل‌های بالرضا، بالعنایه و بالتجلی، دو احتمال بالتسخیر و لابلتسخیر را جایز بدانیم - که ظاهراً نیز چنین است - می‌توان یک بار این‌ها را ذیل فاعل بالتسخیر ارادی و یک بار ذیل فاعل لابلتسخیر قرار داد که در این صورت، این تقسیم در مواردی که بالتسخیر است، شامل همه‌ی انواع فاعل‌های ممکن الوجود خواهد بود و در مواردی که لابلتسخیر است، شامل سایر دیدگاه‌های درست در زمینه‌ی نحوه فاعلیت خداوند - که همانا دیدگاه حکمای مشاء، اشراق و متعالیه است - خواهد شد.

اشکال دیگری که در این باب ممکن است مطرح شود این است که چگونه فاعل بالداعی و فاعل بالاراده به معنای اخص، ذیل فاعل بالتسخیر ارادی قرار گرفته است، در حالی که صدرالمتألهین همه را در نداشتن اختیار مشترک دانسته است؟ در پاسخ باید گفت در مورد فاعل بالداعی امر روشن است؛ چرا که صدرالمتألهین، فاعل بالداعی را در عین داشتن اختیار، مجبور دانسته<sup>۷</sup> و حاجی سبزواری نیز این قسم از فاعل را مجبور و مقهور داعی دانسته، چرا که داعی زاید، او را به فعل واداشته است، برخلاف فاعل مختاری که اختیار او عین ذاتش است (ص: ۳۷۵). در مورد فاعل بالاراده به معنای اخص نیز با توجه به این که اراده زاید بر ذات فرض شده است، می‌توان مدعی شد که ذات به تنهایی فاقد اراده و اختیار است. بعلاوه در مورد فاعل‌های بالداعی و بالاراده به معنای اخص، چون داعی و اراده، زاید بر ذات فرض شده است، مانعی نیست که آن دو را ذیل فاعل بالتسخیر ارادی قرار داد که در این صورت نمی‌توان خداوند را فاعل بالداعی یا بالاراده به معنای اخص نامید و چنین چیزی بر مبنای اصول حکمت متعالیه صحیح است، همان‌گونه که صدرالمتألهین هیچ فاعلی جز باری تعالی را فاعل اختیاری محض ندانسته است - (۱۱، ص: ۱۱)، هر چند بر مبنای اصول کلامی معتزله و اشاعره صحیح نخواهد بود.

### ۳. اقسام فاعل در آثار حاجی سبزواری

حاجی سبزواری در شرح منظومه، اقسام فاعل را هشت قسم دانسته (ص: ۴۰۵)<sup>۸</sup> اما در *تعلیقه بر/سفار* (ص: ۲۲۲)، هفت قسم از آن‌ها را از طریق دوران بین نفی و اثبات - با تقریری که در ادامه خواهد آمد - مطرح کرده است. با توجه به اینکه حکمای بعد از وی بیش‌تر توجه‌شان به همین تقسیم‌بندی بوده و کمتر به تقسیم‌بندی‌های دیگر، عنایت داشته‌اند، طرح و بررسی این تقسیم، ضروری می‌نمود؛ به همین خاطر نگارنده ابتدا این تقسیم را تحت عنوان «تقسیم هفت‌گانه‌ی مشهور»، مطرح نموده، سپس به ارزیابی آن پرداخته و با توجه به ابهامات و اشکالاتی

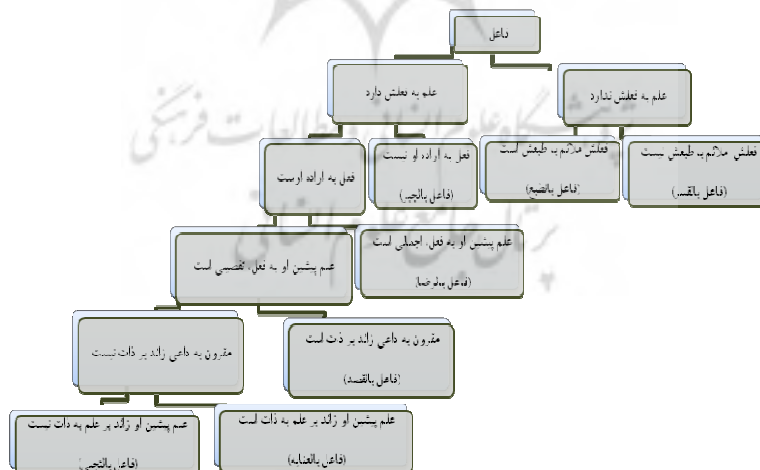
که به آن وارد شده و نیز بر مبنای تقسیم صدرالمآلهین، اقدام به بازسازی این تقسیم نموده و صورت‌بندی دیگری از آن پیشنهاد داده‌است:

### ۳.۱. تقسیم مشهور حاجی سبزواری از اقسام فاعل (تقسیم بر مبنای علم)

حاجی سبزواری در تعلیقه بر کتاب اسفار صدرالمآلهین، هفت قسم از اقسام فاعل را از طریق دوران بین نفی و اثبات، به شرح زیر بر شمرده است:

فاعل یا به فعل خودش علم ندارد یا به فعل خودش علم دارد؛ فاعلی که به فعل خودش علم ندارد، یا فعلش ملائم با طبعش است (فاعل بالطبع) و یا فعلش ملائم با طبعش نیست (فاعل بالقسر).

فاعلی که به فعل خودش علم دارد، یا فعل به اراده‌اش نیست (فاعل بالجبر)، یا فعلش به اراده‌اش می‌باشد؛ فاعلی که به فعل خودش علم دارد و فعل به اراده‌اش می‌باشد، یا علم او به فعلش، به همراه فعل و بلکه عین فعل خود است که همان علم او به ذاتش، علم اجمالی سابق به فعل نیز هست (فاعل بالرضا)، یا علم او به فعلش، قبل از فعل و تفصیلی است. فاعلی که به فعل خودش علم دارد و فعلش به اراده‌ی اوست و علم او به فعل خود، قبل از فعل و تفصیلی است، یا داعی زاید بر ذات دارد (فاعل بالقصد)، یا داعی زاید بر ذات ندارد؛ بلکه همان علم فعلی او منشأ معلول است. در صورت اخیر یا آن علم، یعنی علم قبلی او به فعل، زاید بر علم به ذات که عین ذات است، می‌باشد (فاعل بالعنايه) و یا آن علم، عین علم به ذات است که عین ذات اوست. این علم، علم اجمالی به فعل در عین کشف تفصیلی است (فاعل بالتجلی) (۸، ص: ۲۲۲).



### ۵. نمودار ۵. تقسیم مشهور حاجی سبزواری از اقسام فاعل (تقسیم بر مبنای علم)

### ۲.۳. ارزیابی تقسیم مشهور حاجی سبزواری از اقسام فاعل (تقسیم بر مبنای علم)

تقسیم‌بندی اولیه حاجی سبزواری مبتنی بر داشتن یا نداشتن علم است و این در حالی است که اولاً بر مبنای حکمت صدرایی، همه موجودات دارای علم هستند؛ چرا که وجود عین علم و سایر صفات است، گرچه به دلیل ضعف وجودی برخی از این موجودات و اختلاط آن‌ها با عدم، برخی از این صفات در آن‌ها ظهور پیدا نمی‌کند (۱۳، ص: ۱۳۹). بنابراین تقسیم فاعل به «دارای علم» و «بدون علم»، تقسیم محصلی نیست. ثانیاً در تقسیم حاجی، علم بر اراده مقدم گردیده و چنین فرض شده است که فاعلی که به فعل خود علم ندارد، اراده نیز نمی‌تواند داشته باشد؛ زیرا اراده نمودن چیزی، بدون علم به آن چیز، ممکن نیست؛ به همین خاطر، وی داشتن یا نداشتن اراده را در مورد فاعل‌های علمی مطرح کرده است در صورتی که اگر از ابتدا مبنای تقسیم را داشتن یا نداشتن اراده گذاشته بود، نیازی به تقسیم بر مبنای داشتن یا نداشتن علم نبود؛ زیرا فاعلی که اراده ندارد، یا اصلاً علم ندارد یا اگر علم داشته باشد، علم او در فعل او مؤثر نیست. همان‌گونه که برخی از محققین در تعریف فاعل بالطبع گفته‌اند فاعلی است که ذات او سبب فعل اوست خواه علم به فعل خود نداشته باشد و خواه داشته باشد. البته در صورت داشتن علم، علمش موجب فعل او نیست (۲، ص: ۱۰۰). بر این اساس، مهم نیست که فاعل، علم به فعل خود داشته باشد، بلکه مهم این است که علم او نقشی در ایجاد فعل نداشته باشد. بنابراین به نظر می‌رسد علاوه بر اشکال کسانی که گفته‌اند بر مبنای حکمت متعالیه، تقسیم فاعل به دارای علم و بدون علم، صحیح نیست، اشکال پیشین نیز به تقسیم فاعل بر مبنای علم وارد است و باید یا قید «مؤثر بودن در فعل» را به علم اضافه نمود و چنین گفت که فاعل یا «علم مؤثر در فعل» دارد یا ندارد و سپس تقسیم را ادامه داد و یا از ابتدا تقسیم را بر مبنای داشتن یا نداشتن اراده و اختیار مطرح نمود همان‌گونه که ملاصدرا و فیض کاشانی نیز چنین کرده‌اند و چه بسا تقسیم آن‌ها از این جهت، بر تقسیم حاجی، برتری داشته‌باشد. هرچند همین اشکال را به ملاصدرا و فیض نیز می‌توان وارد نمود؛ چرا که بر مبنای حکمت صدرایی، همه‌ی موجودات دارای همه‌ی صفات کمالی در حد مرتبه‌ی وجودی خویش‌اند. بنابراین تقسیم فاعل به دارای اختیار و بدون اختیار نیز دقیق نیست مگر این که گفته شود مرتبه‌ی وجودی برخی از موجودات به حدی ضعیف است که برخی صفات کمالی آن‌ها نیز به دلیل ضعف شدید، کالعدم تلقی می‌شود.

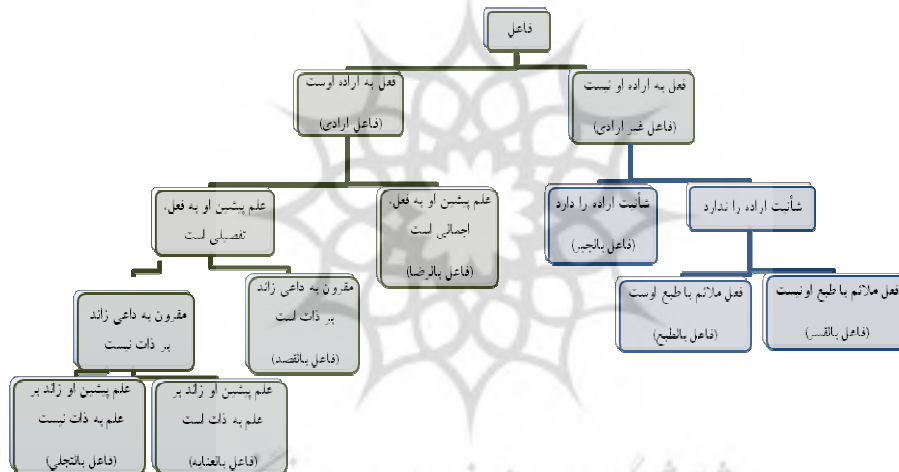
حاجی سبزواری نیز همانند فیض کاشانی، فاعل بالتسخیر را در این تقسیم بندی لحاظ نکرده است و این هرچند می‌تواند به این دلیل باشد که آنان فاعل بالتسخیر را فاعلی مستقل و در عرض سایر فاعل‌ها ندانسته‌اند، اما از این جهت که یکی از اقسام فاعل را در بر ندارد، تقسیم جامعی نیست. علاوه بر این، چون در این تقسیم، فاعلیت بالقصد بدون قید و به صورت مطلق آمده است،

ذهن به فاعل بالقصد به همراه داعی یا فاعل بالداعی متبادر می‌شود و این نیز مستلزم عدم جامعیت تقسیم فوق است؛ چرا که فاعلیت بالاراده به معنای اخص که قول برخی از متکلمین (اشاعره) به شمار می‌رود را در این تقسیم لحاظ نکرده است.

#### ۴. پیشنهاد سه تقسیم جدید از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین و حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی)

##### ۴.۱. تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین و حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی اول)

با توجه به نکاتی که در ارزیابی تقسیم‌بندی مشهور حاجی سبزواری مطرح شد، می‌توان تقسیم را با اندکی تغییر به صورت زیر صورت‌بندی نمود:



##### نمودار ۶. تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین و حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی اول)

##### ۴.۱.۱. ارزیابی تقسیم پیشنهادی اول از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدر المتألهین و

حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی اول): این تقسیم به چند جهت از تقسیم مشهور حاجی متمایز شده است: اول این که در سه قسم نخست از اقسام فاعل که فاقد اراده هستند، داشتن یا نداشتن علم اهمیتی ندارد؛ چون بنابر قول مشهور یا اصلاً علم ندارند یا علمشان در فعلشان مؤثر نیست. بنابراین قید دارای علم و بدون علم که زائد است، از تقسیم فوق حذف شده و به جای آن، تقسیم بر مبنای داشتن یا نداشتن اراده مطرح شده است. دوم این که فاعل بالقصد و بالطبع نیز همانند فاعل بالجبر، غیر ارادی فرض شده است با این تفاوت که فاعل بالجبر شأنیت اراده را دارد،

واکاوای اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری ۱۴۷

اما دو قسم دیگر شأنیت اراده را ندارند. جهت دیگر این که با تقسیم ملاصدرا و فیض کاشانی هماهنگی و مطابقت بیشتری دارد و در نتیجه از برخی امتیازات آن‌ها نیز برخوردار است.

هر چند بخش اول این تقسیم شبیه تقسیم اول صدرالمتألهین است اما بخش دوم آن با تقسیم صدرالمتألهین تفاوت دارد؛ چرا که اولاً بخش دوم آن تقسیم فاقد فاعل بالتجلی است در حالی که بخش دوم این تقسیم و همین طور تقسیم مشهور حاجی، شامل فاعل بالتجلی است و از این جهت بر تقسیم اول صدرالمتألهین برتری دارد هر چند همان گونه که در ارزیابی تقسیمات بعدی خواهد آمد- به نظر می‌رسد فاعل بالعنایه در نظر صدرالمتألهین اعم از فاعل بالعنایه در نظر مشائین بوده و شامل فاعل بالتجلی نیز می‌شود که در این صورت برتری وجود ندارد. ثانیاً بخش دوم آن تقسیم، بر مبنای مضطر بودن یا نبودن فاعل در اختیار خود است که با ظرافت خاصی، فاعل بالقصد را از ردیف انحاء فاعل‌هایی که شامل نحوه فاعلیت باری تعالی می‌شود، خارج کرده است و از این جهت بر تقسیم حاجی سبزواری برتری دارد؛ چرا که دیگر نیازی به طرح زائد بر ذات بودن یا نبودن داعی نیست در حالی که بخش دوم این تقسیم و همین طور تقسیم مشهور حاجی، بر مبنای اجمالی یا تفصیلی بودن علم پیشین فاعل به فعل بنا شده است که هر چند برای جدا ساختن فاعل بالرضا از فاعل‌های بالعنایه و بالرضا مفید است اما برای خارج کردن فاعل بالقصد به طرح زائد بر ذات بودن یا نبودن داعی نیاز پیدا می‌کند.

در مجموع می‌توان گفت هر یک از تقسیمات پیشین، ضعفها و قوت‌هایی دارد اما با توجه به اینکه هیچ‌یک جامعیت کافی را ندارد، نگارنده در ادامه تلاش کرده است با تکیه بیشتر بر نقطه نظرات صدرالمتألهین و بر مبنای ارزیابی‌های به عمل آمده و ترکیب نقاط قوت تقسیمات فوق، دو تقسیم جدید مطرح کند که از جامعیت بیشتری برخوردار باشد:

#### ۲.۴. تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین و حاجی

##### سبزواری (تقسیم ترکیبی دوم)

در این تقسیم‌بندی که بیشتر بر مبنای مشهور و با استفاده از تقسیمات پیشین و ارزیابی آنان و با عنایت به تقسیم‌بندی حاجی سبزواری بویژه تقسیم پیشنهادی پیشین نگارنده و یکی از تقسیمات صدرالمتألهین صورت پذیرفته است و می‌توان گفت ترکیبی از آن دو تقسیم است، ابتدا فاعل به دو قسم دارای اراده و اختیار و فاقد آن و سپس هر کدام به دو دیگر به گونه‌ی زیر تقسیم شده است:

فاعل یا دارای اراده و اختیار نیست (فاعل بالجبر به معنای عام (فاعل غیر ارادی)) یا دارای اراده و اختیار است (فاعل بالاختیار (بالاراده) به معنای عام (فاعل ارادی)).

فاعل غیر ارادی یا شأنتیت اراده و اختیار ندارد یا شأنتیت اراده و اختیار را دارد (فاعل بالجبر به معنای خاص)

فاعل غیر ارادی که شأنتیت اراده و اختیار ندارد یا فعل او مطابق با طبیعت اوست (فاعل بالطبع) یا فعل او بر خلاف مقتضای طبیعت اوست (فاعل بالقسر (فاعل قسری)).

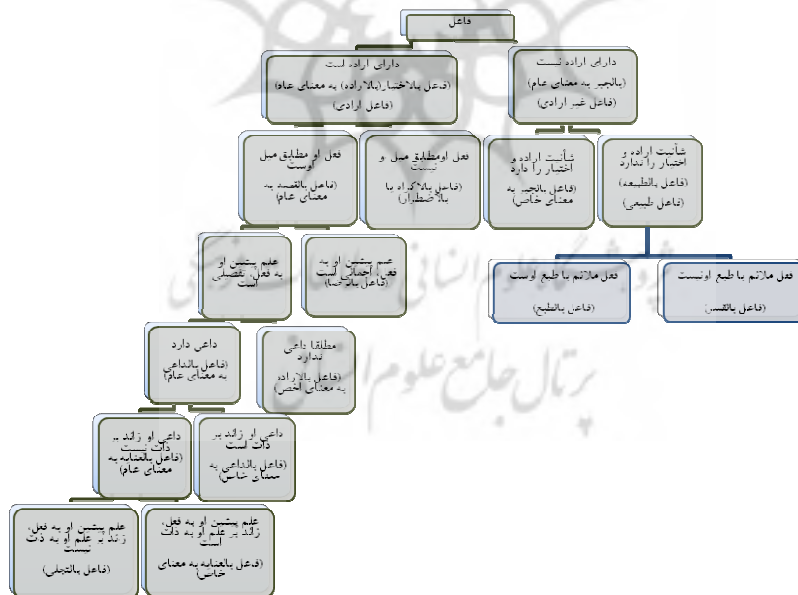
فاعل ارادی یا فعل او مطابق با میلش نیست (فاعل بالاکراه یا بالاضطرار) یا فعل او مطابق با میل اوست (فاعل بالقصد به معنای عام).

فاعل ارادی که فعل او مطابق با میل اوست، یا علم پیشین او به فعل، اجمالی و عین ذات است (فاعل بالرضا)، یا علم پیشین او به فعل، تفصیلی است.

فاعلی که علم پیشین او به فعل، تفصیلی است، یا مطلقاً داعی ندارد (فاعل بالاراده به معنای اخص)، یا داعی دارد (فاعل بالداعی به معنای عام).

فاعلی که داعی دارد، یا داعی او زاید بر ذات است (فاعل بالداعی به معنای خاص)، یا داعی او زاید بر ذات نیست، بلکه عین ذات است (فاعل بالعنايه به معنای عام).

فاعلی که داعی او عین ذات است یا علم او به فعلش زاید بر علم او به ذات است (فاعل بالعنايه به معنای خاص)، یا علم او به فعلش عین علم او به ذات است (فاعل بالتجلي).



نمودار ۷. نمودار تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی دوم)

واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمآلهین و حاجی سبزواری ۱۴۹

#### ۴.۲.۱. ارزیابی تقسیم پیشنهادی دوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمآلهین و

**حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی دوم):** در این تقسیم‌بندی که بیشتر بر مبنای مشهور و با استفاده از تقسیمات پیشین و ارزیابی آنان و با عنایت به تقسیم‌بندی حاجی سبزواری به‌ویژه تقسیم پیشنهادی نگارنده صورت پذیرفته است، چند نکته حائز اهمیت است: اول این که این تقسیم بر مبنای داشتن یا نداشتن اراده صورت گرفته است نه بر مبنای داشتن یا نداشتن علم که در تقسیم حاجی سبزواری وجود داشت و به آن اشکال شده بود؛ لذا از این جهت فاقد اشکال پیشین است. دوم این که برای جلوگیری از سوء تفاهم، از اصطلاح فاعل بالجبر به معنای عام و فاعل بالجبر به معنای خاص استفاده شده است. سوم این که این تقسیم بر اساس عدم اختلاف ذاتی فاعل بالطبع و بالقسر صورت گرفته و به همین جهت از اصطلاح فاعل بالطبع که اعم از آن دو است استفاده شده است. هرچند بر مبنای دیدگاه مشهور، باز آن را به بالقسر و بالطبع تقسیم نموده است. چهارم این که قسم دیگری به اقسام فاعل‌های ارادی افزوده و نام آن را فاعل بالاکراه گذاشته که می‌تواند جایگزین مناسبی برای فاعل بالجبر در اصطلاح مشهور باشد؛ زیرا ضمن این که به معنای عرفی آن جبری محسوب می‌شود، اما منافاتی با ارادی بودن ندارد. پنجم این که به جای فاعل بالقصد که مبهم و غیرشامل بود، از دو اصطلاح فاعل بالداعی و بالاراده به معنای اخص استفاده شده است که دیدگاه همه‌ی متکلمان اعم از معتزلی و اشعری در مورد نحوه‌ی فاعلیت باری تعالی را در بر می‌گیرد. ششم اینکه با طرح فاعل بالعنایه به معنای عام که شامل فاعل بالعنایه به معنای خاص و فاعل بالتجلی می‌شود، ابهام تشابه دیدگاه ملاصدرا به دیدگاه مشائیان در نحوه فاعلیت باری تعالی را برطرف نموده است؛ چرا که به نظر می‌رسد مراد ملاصدرا از فاعل بالعنایه در مواضعی که به فاعل بالتجلی اشاره نکرده است، همان فاعل بالعنایه به معنای عام آن است نه معنای خاص آن که دیدگاه مشائیان است. هفتم این که این تقسیم نه تنها همه‌ی اقسام هشتگانه‌ی موجود در آثار صدرالمآلهین را در بر دارد، قسم دیگری (فاعل بالاکراه یا بالاضطرار) نیز بر آن افزوده است.

ممکن است در اینجا اشکال شود که با توجه به وجود فاعل بالاکراه که می‌تواند جایگزین مناسبی برای فاعل بالجبر به معنای مشهور باشد، دیگر نیازی به طرح فاعل بالجبر نیست. اما در پاسخ باید گفت اولاً در این مقطع نتیجه‌ی قطعی وجود ندارد که فاعل بالجبر باید حذف شود. ثانیاً مثال‌هایی وجود دارد که تنها نامی که بر آن می‌توان نهاد، فاعل بالجبر است؛ مثل این که فردی در یک صف ایستاده باشد و دیگران وی را هل داده و او نیز بدون میل و بدون اراده و بر اثر فشار پشت سر، افراد جلویی را هل دهد. در این صورت آیا می‌توان گفت که وی فاعل نیست؟ به نظر می‌رسد هرچند فاعل به معنی واقعی و حقیقی کلمه نیست، اما از آنجا که مراد از فاعل، در این باب، فاعل به معنای عام آن است، باید گفت که وی فاعل بالجبر یا فاعل مجبور است؛ زیرا از آنجا که موجود

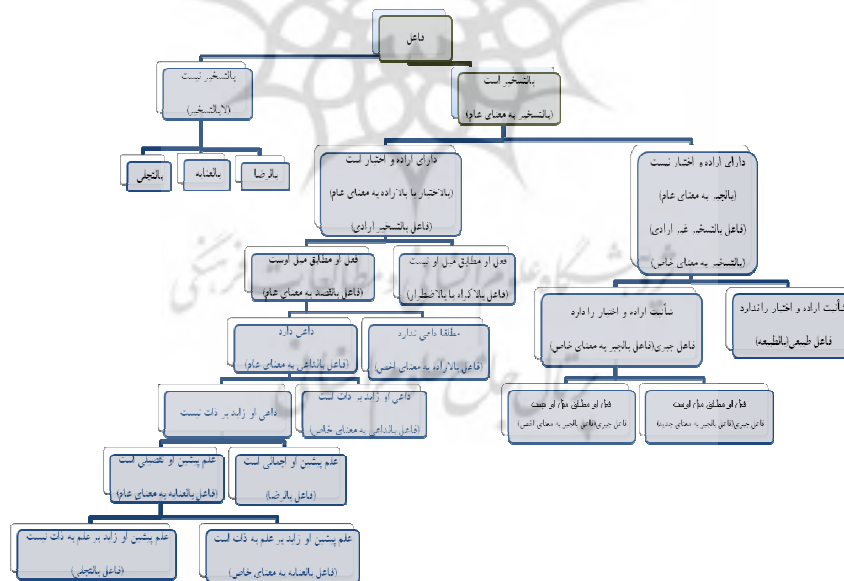
زنده است و شأنت میل و اراده را دارد، شایسته نیست مثلاً نام فاعل بالقسر بر وی نهاده شود. پر واضح است که اصطلاح فاعل بالجبر در این موضع با اصطلاح فاعل بالجبر به معنای مشهور متفاوت است؛ چون هرچند ادعا شده که فاعل بالجبر به معنای مشهور، اراده ندارد، اما شأنت اراده را دارد ولی تصویری که از آن ایجاد شده است، همان فاعل بالاکراه در اصطلاح نگارنده است که اراده دارد اما میل ندارد.

بر مبنای تقسیم فوق، می توان اقسام فاعل را چنین برشمرد: ۱- فاعل بالطبع ۲- فاعل بالقسر ۳- فاعل بالجبر به معنای خاص ۴- فاعل بالاکراه ۵- فاعل بالداعی به معنای خاص ۶- فاعل بالاراده به معنای خاص ۷- فاعل بالرضا ۸- فاعل بالعنايه ۹- فاعل بالتجلی.

#### ۳.۴. تقسیم پیشنهادی سوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین و حاجی

##### سبزواری (تقسیم ترکیبی سوم) (تقسیم مختار نگارنده)

تقسیم پیشین بیشتر بر مبنای مشهور و به نوعی ترکیب بخشی از یک تقسیم صدرالمتألهین و تقسیم حاجی سبزواری بود اما نگارنده معتقد است بر مبنای تقسیم پیشنهادی دوم بر مبنای آثار صدرالمتألهین، می توان تقسیمی دیگر ارائه کرد که جامع همه‌ی اقسام و نقاط قوت تقسیمات پیشین و فاقد محدودیت‌ها و نواقص آن‌ها باشد همان گونه که در زیر آمده است:



#### نمودار ۸. تقسیم پیشنهادی سوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتألهین و

##### حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی سوم) (تقسیم مختار)



واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمتهین و حاجی سبزواری ۱۵۱

#### ۴.۳.۱. ارزیابی تقسیم پیشنهادی سوم از اقسام فاعل بر مبنای آثار صدرالمتهین

و حاجی سبزواری (تقسیم ترکیبی سوم) (تقسیم مختار): این تقسیم بندی که به نوعی تقسیم مختار این نوشتار بوده و تلاش شده تا حد امکان دارای نقاط قوت و فاقد نقاط ضعف تقسیم‌های پیشین باشد، حاوی نکات متعددی است: اول این که تقسیم بر مبنای بالتسخیر بودن یا بالتسخیر نبودن فاعل صورت گرفته است که با توجه به این که فاعلیت همه فاعل‌ها به جز خداوند، به نحو بالتسخیر است، این تقسیم به نحوی بین فاعلیت خداوند و سایر فاعل‌ها فرق گذاشته است. دوم این که در ذیل فاعلیت لا بالتسخیر، فاعل‌های بالرضا، بالعنايه و بالتجلی قرار داده است که می‌تواند بیانگر دیدگاه درست در زمینه‌ی نحوه‌ی فاعلیت خداوند باشد که به اعتقاد صدرالمتهین، به یکی از انحاء سه‌گانه مذکور خواهد بود (نک: ۱۰، ص ۲۲۴). سوم این که فاعل بالتسخیر را همان‌گونه که صدرالمتهین بیان کرده بود (نک: ۱۷، ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴)، به غیر ارادی و ارادی تقسیم نموده است که بیانگر نوعی جامعیت است. چهارم این که از تقسیم فاعل بالتسخیر غیر ارادی به بالطبع و بالقسر خودداری کرده و به جای آن دو، از اصطلاح فاعل بالطبع (فاعل طبیعی) که اعم از آن دو است، استفاده نموده و این کار بر مبنای اعتقاد نگارنده به عدم اختلاف ذاتی فاعل بالطبع و بالقسر صورت گرفته است. پنجم این که نوعی فاعل بالجبر را مطرح نموده که با فاعل بالجبر به معنای مشهور متفاوت بوده و اخص از آن است چرا که فعل فاعل بالجبر به معنای اخص، نه مطابق با اراده‌ی اوست و نه مطابق با میل او. ششم این که به جای فاعل بالجبر به معنای مشهور که فعل او مطابق میل او نبود، اما مطابق با اراده‌ی او بود، از اصطلاح فاعل بالاکراه استفاده نموده است. هفتم این که به جای فاعل بالقصد به معنای مشهور، از اصطلاح فاعل بالاراده به معنای اخص و فاعل بالداعی به معنای خاص استفاده شده است که دیدگاه متکلمان اشعری و معتزلی در مورد نحوه فاعلیت باری تعالی را در بر می‌گیرد برخلاف فاعل بالقصد به معنای مشهور که تنها بیانگر دیدگاه معتزله بود. هشتم این که از دو نوع فاعل بالرضا، بالعنايه و بالتجلی سخن به میان آمده است که یکی بالتسخیر و یکی لا بالتسخیر است؛ این کار برای این صورت گرفته است که انحاء فاعلیت مخلوقات به ویژه نفس ناطقه انسانی را شامل شود و نیز تشبیهی بین نحوه‌ی فاعلیت خداوند و سایر موجودات اتفاق نیفتد. با توجه به نکات پیش گفته به نظر می‌رسد این تقسیم از همه‌ی تقسیم‌های پیشین جامع‌تر است.

بر مبنای تقسیم اخیر، می‌توان اقسام فاعل را چنین برشمرد: ۱- فاعل بالطبع (فاعل طبیعی) ۲- فاعل بالجبر به معنای اخص و جدید ۳- فاعل بالاکراه یا بالاضطرار ۴- فاعل بالاراده به معنای اخص ۵- فاعل بالداعی به معنای خاص ۶- فاعل بالرضا ۷- فاعل بالعنايه به معنای خاص ۸- فاعل بالتجلی.

## ۵. نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از این پژوهش به دست می‌آید این است که از میان تقسیمات مختلفی که در مورد فاعل صورت گرفته است، مهم‌ترین آن، تقسیم فاعل به اقسام هشت‌گانه‌ی بالطبع، بالقسر، بالتسخیر، بالجبر، بالقصد، بالعنايه، بالرضا و بالتجلی است. اما با استفاده از تقسیم و تقریر صدرالمتألهین و حاجی سبزواری از اقسام فاعل و تأمل در دیدگاه‌های مختلف حکما و متکلمان مسلمان در این باره، معلوم می‌شود که این تقسیم بندی قطعی و جامع نیست و با تقسیم‌بندی‌های دیگری، می‌توان آن را به گونه‌های مختلفی صورت‌بندی کرد؛ برخی اقسام را حذف و اقسام دیگری را اضافه نمود؛ از میان اقسام هشت‌گانه، فاعل‌های بالطبع و بالقسر را می‌توان حذف و به جای آن‌ها، فاعل بالطبع قرار داد. فاعل را در گام اول می‌توان به بالتسخیر و لا بالتسخیر تقسیم کرد؛ فاعل لا بالتسخیر که تنها مصداق آن، باری تعالی است را می‌توان بر مبنای دیدگاه حکمت متعالیه در مورد نحوه‌ی فاعلیت خداوند، به بالرضا، بالعنايه و بالتجلی تقسیم نمود. فاعل بالتسخیر را می‌توان به عام و خاص تفکیک نمود که عام آن شامل همه‌ی اقسام به استثنای فاعل لا بالتسخیر می‌شود و خاص آن نیز شامل همه‌ی اقسام فاعل بالتسخیر غیر ارادی یا بالجبر به معنای عام می‌شود. فاعل بالجبر نیز قابل تفکیک به عام و خاص و اخص است که عام آن که همان فاعل بالتسخیر به معنای خاص است، شامل فاعل‌های بالطبع و بالجبر به معنای خاص می‌شود و خاص آن نیز شامل بالجبر به معنای اخص و یک معنای جدید دیگر می‌شود که نگارنده در این مجال نامی بر آن نگذاشته است. به جای فاعل بالجبر خاص به معنای مشهور، می‌توان فاعل بالاکراه قرار داد و از فاعل بالجبر به معنای خاص و اخص و جدید دیگری سخن گفت که قابل تفکیک از فاعل‌های طبیعی و فاعل بالاکراه است. فاعل بالقصد نیز قابل تقسیم به عام و خاص است که عام آن شامل همه‌ی اقسام فاعل‌های ارادی به استثنای فاعل بالاکراه می‌شود که خود قابل تقسیم به دو قسم بدون داعی و به همراه داعی است؛ قسم اول آن، توسط صدرالمتألهین فاعل بالقصد نامیده شده است که در این نوشتار، فاعل بالقصد به معنای خاص یا فاعل بالاراده به معنای اخص نامیده شده است تا بیانگر دیدگاه اشاعره در باب نحوه‌ی فاعلیت خداوند باشد که قائل به اراده‌ی جزافیه هستند و قسم دوم آن، فاعل بالداعی به معنای عام نام‌گذاری شده است که خود قابل تقسیم به فاعل بالداعی در اصطلاح صدرالمتألهین - فاعل بالداعی به معنای خاص در اصطلاح نوشتار حاضر است - و فاعل‌های بالرضا، بالعنايه و بالتجلی است. فاعل بالعنايه نیز به عام و خاص قابل تقسیم است که عام آن شامل بالعنايه به معنای خاص و بالتجلی می‌شود و خاص آن، قسیم فاعل بالتجلی است. بنابراین اقسام فاعل در تقسیم نهایی عبارتند از: ۱- فاعل بالطبع (فاعل طبیعی) ۲- فاعل بالجبر به معنای اخص و جدید ۳- فاعل بالاکراه ۴- فاعل بالاراده به معنای

واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدرایی با تکیه بر آثار صدرالمآلهین و حاجی سبزواری ۱۵۳  
اخص ۵- فاعل بالداعی به معنای خاص ۶- فاعل بالرضا ۷- فاعل بالعنایه به معنای خاص ۸- فاعل  
بالتجلی.

فوایدی که بر این نحوه تأمل در باب اقسام فاعل و ایجاد صورت‌بندی‌های جدید و متعدد  
مترتب است، به قرار زیر است:

۱- از بین بردن تلقی انحصار اقسام فاعل در اقسام هشت‌گانه و بلکه هفت‌گانه‌ی مشهور که  
حاجی سبزواری از طریق دورانی مطرح کرده است.

۲- حذف عناوین فاعل بالطبع و بالقسر و جایگزینی عنوان فراگیر فاعل بالطبع (فاعل  
طبیعی) به جای آن دو که دقیق‌تر است.

۳- ارائه تعریفی جدید و اخص از فاعل بالجبر که با مفهوم جبر در اصطلاح فلسفه کاملاً  
همخوانی دارد.

۴- یافتن قسمی جدید از اقسام فاعل (فاعل بالاراده) که به خطا نام دیگری (فاعل بالجبر)  
بر آن نهاده شده بود.

۵- یافتن قسمی از اقسام فاعل (فاعل بالاراده به معنای اخص) که بیانگر دیدگاه اشاعره در  
باب نحوه فاعلیت باری تعالی باشد.

۶- تنقیح تصویری فاعل بالقصد و جایگزین نمودن عنوان فاعل بالداعی به معنای خاص، به  
جای آن، که دقیق‌تر و بیانگر دیدگاه معتزله در مورد نحوه فاعلیت باری تعالی می‌باشد.

۷- رفع ابهام تشابه دیدگاه ملاصدرا و مشائیان در باب نحوه فاعلیت باری تعالی (قول به  
فاعلیت بالعنایه)، با توجه به تقسیم فاعل بالعنایه به دو معنای عام و خاص.

۸- ارائه تقسیمی که بیانگر دیدگاه صحیح در مورد نحوه فاعلیت باری تعالی باشد که همانا  
دیدگاه حکمای مشاء، اشراق و بویژه متعالیه است؛ یعنی فاعلیت بالرضا، بالعنایه و بالتجلی، و طرد  
دیدگاه‌های نادرست مثل فاعلیت بالداعی به معنای خاص و بالاراده به معنای اخص که دیدگاه  
متکلمان معتزلی و اشعری است، با تقسیم اولیه فاعل به بالتسخیر و لابتسخیر.

### یادداشت‌ها

۱. فاعل در لغت به معنای شخص یا ذاتی است که فعل از او صادر می‌شود (۲۶، ص: ۲۴۷۳). این واژه در  
اصطلاح حکیمان الهی به معنای هستی بخش است و مصداق واقعی آن جز خداوند نمی‌تواند باشد. در  
اصطلاح طبیعی‌دانان، فاعل به عامل حرکت گفته می‌شود که به صورت زمانی و تدریجی است. از نظر  
صدرالمآلهین فاعل در علوم طبیعی همان برانگیزاننده‌ی مبدأ اول حرکت است و این معنا اخص از فاعل  
وجود است و شأنی جز اعداد ندارد (۱۲، ص: ۲۵۰-۳۱۱؛ ۱۱، ص: ۱۵ و ۱۶). برخی همانند اشاعره  
واژه‌های متعدد خلق، احداث، ابداع، انشاء و اختراع را مترادف فعل دانسته‌اند. بنابراین از نظر این دسته از  
متکلمان، فاعل به معنای محدث و خارج‌کننده‌ی وجود از عدم است (۱، ص: ۹۱) که مطابق نظر حکمای

الهی است. البته مراد از فاعل در این نوشتار معنای عام آن است و گرنه بحث از اقسام فاعل بی‌معنا خواهد بود (۲۵، صص: ۲۶۲-۲۶۱).

۲. یکی از مهم‌ترین تقسیمات فاعل، تقسیم آن به فاعل بالذات و بالعرض است: فاعل بالذات آن است که فی‌نفسه متصف به فاعلیت باشد و این اتصافش به واسطه‌ی غیر نباشد، مانند زید در جمله «زید کاتب است» که فی‌نفسه فاعل کتابت است و این اتصاف به سبب اتصافش به چیز دیگری نیست (۵، ص: ۱۲۷). اما فاعل بالعرض آن است که فی‌نفسه متصف به فاعلیت نباشد، بلکه اتصافش به فاعلیت، به واسطه‌ی امر دیگری باشد. صدرالمتألهین این دو قسم را چنین بیان کرده است: «الفاعل بالذات هو الذي لذاته يكون مبدءاً للفعل و الفاعل بالعرض ما لا يكون كذلك» (۱۰، ص: ۱۹۱).

۳. «هذه الثلاثة كلها مشتركة في أن كلا منها فاعليته بالاختيار وأنه يفعل بالمشيئة و الداعية العلمية سواء كان العلم مفارقاً عنه أو لازماً لذاته زائداً على ذاته أو عين ذاته» (۱۱، ص: ۱۲)؛ «نعم، ههنا فرق بين الفاعل بالقصد و الفاعل بالعناية و الفاعل بالرّضا، و الكلّ فاعل مختار» (۱۶، ص: ۳۵).

۴. البته این احتمال در مورد فاعل بالقصد نیز وجود دارد، با این تفاوت که فاعل مقصور، مقوم به قاصر نیست؛ در صورتی که فاعل مسخر، مقوم به مسخر است؛ «و الفرق بين التسخير و القسري بأن المقصور من الفاعل غير مقوم بالقاصر و المسخر منه مقوم بما يسخره» (۱۵، ص: ۲۴۴).

۵. «و كذا الفرق ثابت بين الفاعل بالطبع و الفاعل بالقسر و الفاعل بالتسخير، و الكلّ فاعل بالإيجاب و الجبر» (۱۶، ص: ۳۵)؛ «و ... فاعل بالجبر هي أيضا ثلاثة أقسام: منها الفاعل بالطبع ... و منها الفاعل بالقسر ... و منها الفاعل بالتسخير» (۱۱، ج ۳، ص: ۱۳)؛ همچنین در موضع دیگری فاعل بالطبع و بالقسر را خالی از اراده دانسته است (۱۷، ص: ۵۸؛ ۱۸، ص: ۱۴).

۶. «هذا هو القصد بالمعنى الأخص أى بالقصد بلا داع عند الأشاعرة القائلين بالإرادة الجزافية و بالقصد مع الداعى عند المعتزلة» (۹، ص: ۴۷۶).

۷. «و لو نظرت حق النظر لم تجد فاعلاً بالاختيار المحض إلا الباري جل ذكره و غيره مسخرون له فيما يفعلونه سواء كانوا مختارين أو مجبورين فإن كثيراً من الفاعلين مجبورون فى عين اختيارهم» (۱۱، ص: ۱۴)

۸. «بالطبع أو بالقصد أو بالجبر بالتسخير فارع ما رعا أو بالتسجلى ثم بالعناية أو بالرّضا فادروا أولى الدرايه» (۷، ص: ۴۰۵)

## منابع

۱. ابن فورک، ابی بکر محمد بن الحسن، (۱۹۸۶م)، مجرد مقالات الشيخ ابی الحسن الاشعری، بیروت: دارالمشرق.
۲. بغدادی، ابوالبرکات، (۱۳۷۳)، المعتمد فی الحکمه، ج ۳، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
۳. حسینی طهرانی، سید هاشم، (۱۳۶۵)، توضیح المراد (تعلیقہ علی شرح الاعتقاد)، تهران: انتشارات مفید.

- واکاوی اقسام فاعل در مکتب صدراپی با تکیه بر آثار صدرالمتألهین و حاجی سبزواری ۱۵۵
۴. حمید مفتی، محمد ابوالفضل محمد، (۱۳۷۴)، قاموس البحرین، تصحیح علی اوجبی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دفتر نشر میراث مکتوب.
۵. رازی تهرانی، میر قوام الدین محمد، (۱۳۷۴)، عین الحکمه، تصحیح علی اوجبی، تهران: دفتر نشر میراث مکتوب.
۶. سبزواری، ملاهادی، (۱۳۶۹)، شرح المنظومه، ج ۱، تصحیح و تعلیق حسن حسنزاده آملی، تحقیق و تقدیم مسعود طالبی، تهران: نشر ناب.
۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۹)، شرح المنظومه، ج ۲، تصحیح و تعلیق حسن حسنزاده آملی، تحقیق و تقدیم مسعود طالبی، تهران: نشر ناب.
۸. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۰م)، تعلیقه بر الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۰)، تعلیقه بر الشواهد الربوبیه، تعلیق و تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مشهد: دار احیاء التراث العربی، المرکز الجامعی للنشر.
۱۰. صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم، (۱۹۹۰م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۲، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۱. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۰م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۳، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۰م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۵، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. \_\_\_\_\_، (۱۹۹۰م)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۶، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۴. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۲)، تعلیقه و شرح بر الهیات شفا، ج ۲، تصحیح نجفقلی حبیبی، به اشراف سید محمد خامنه‌ای، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۵. \_\_\_\_\_، (بی تا)، الحاشیه علی الهیات الشفاء، قم: انتشارات بیدار.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۷۸)، رساله فی الحدوث، تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
۱۷. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۳)، المشاعر، بی جا: کتابخانه‌ی طهوری.
۱۸. \_\_\_\_\_، (۱۳۴۱ش)، العرشیه، ترجمه‌ی غلامحسین آهنی، اصفهان: انتشارات مهدوی.
۱۹. \_\_\_\_\_، (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبیه، با تعلیقات ملاهادی سبزواری، تعلیق و تصحیح و مقدمه سید جلال الدین آشتیانی، مشهد: دار احیاء التراث العربی، المرکز الجامعی للنشر.
۲۰. \_\_\_\_\_، (بی تا)، المظاهر الالهیه فی اسرار العلوم الکمالیه، تحقیق سید جلال الدین آشتیانی، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۱. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۲)، *نهایة الحکمة*، به اشراف میرزا عبدالله نورانی، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۲۲. فارسی نژاد، علی رضا و زارعی، علی رضا، (۱۳۹۴)، «ابتکار فیض کاشانی در تبیین مسأله‌ی امر بین الامرین»، فصلنامه آینه معرفت، شماره ۴۲، صص: ۱۱۱-۱۳۲.
۲۳. فیض کاشانی، ملامحسن، (۱۳۷۵)، *اصول المعارف*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۴. لوکری، ابوالعباس، (۱۳۷۳)، *بیان الحق بضمان الصدق*، تهران: مؤسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی.
۲۵. مجمع البحوث الاسلامیه، (۱۴۱۴ق)، *شرح المصطلحات الفلسفیه*، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
۲۶. معین، محمد، (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی*، ج ۲، تهران: امیر کبیر.

